

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، دانیال نبی

درس شماره ۹

فصل ۲: ۱-۱۳

آیه حفظی برای ۷ ماه مارچ سال ۲۰۲۴

مزمور ۱۱۹: ۹۸

۹۸ اوامر تو مرا از دشمنانم حکیمتر ساخته است زیرا که همیشه نزد من می‌باشد.

آیه حفظی برای ۱۴ ماه مارچ سال ۲۰۲۴

رومیان ۱۱: ۳۳

۳۳ چه عظیم است عمق دولتمندی و حکمت و علم خدا! چقدر دور از اندازه گیری است احکام او و فوق از کاوش است طریق‌های وی!

ظ

قرائت کلام: لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی باز بفرمائید، و فصل ۲: ۱-۱۳ را

بخوانید.

۱ و در سال دوم سلطنت نبوکدنصر، نبوکدنصر خوابی دید و روحش مضطرب شده، خواب از وی

دور شد.

۲ پس پادشاه امر فرمود که مجوسیان و جادوگران و فالگیران و کلدانیان را بخوانند تا خواب

پادشاه را برای او تعبیر نمایند و ایشان آمده، به حضور پادشاه ایستادند.

۳ و پادشاه به ایشان گفت: «خوابی دیده‌ام و روحم برای فهمیدن خواب مضطرب است.»

۴ کلدانیان به زبان آرامی به پادشاه عرض کردند که «پادشاه تا به ابد زنده بماند! خواب را برای

بندگان بیان کن و تعبیر آن را خواهیم گفت.»

۵ پادشاه در جواب کلدانیان فرمود: «فرمان از من صادر شد که اگر خواب و تعبیر آن را برای من بیان نکنید پاره پاره خواهید شد و خانه‌های شما را مزبله خواهند ساخت.

۶ و اگر خواب و تعبیرش را بیان کنید، بخششها و انعامها و اکرام عظیمی از حضور من خواهید یافت. پس خواب و تعبیرش را به من اعلام نمایید.»

۷ ایشان بار دیگر جواب داده، گفتند که «پادشاه بندگان خود را از خواب اطلاع دهد و آن را تعبیر خواهیم کرد.»

۸ پادشاه در جواب گفت: «یقین می‌دانم که شما فرصت می‌جوئید، چون می‌بینید که فرمان از من صادر شده است.

۹ لیکن اگر خواب را به من اعلام ننمایید برای شما فقط یک حکم است. زیرا که سخنان دروغ و باطل را ترتیب داده‌اید که به حضور من بگویید تا وقت تبدیل شود. پس خواب را به من بگویید و خواهم دانست که آن را تعبیر توانید نمود.»

۱۰ کلدانیان به حضور پادشاه جواب داده، گفتند، که «کسی بر روی زمین نیست که مطلب پادشاه را بیان تواند نمود، لهذا هیچ پادشاه یا حاکم یا سلطانی نیست که چنین امری را از هر مجوسی یا جادوگر یا کلدانی پرسد.

۱۱ و مطلبی که پادشاه می‌پرسد، چنان بدیع است که احدی غیر از خدایانی که مسکن ایشان با انسان نیست، نمی‌تواند آن را برای پادشاه بیان نماید.»

۱۲ از این جهت پادشاه خشم نمود و به شدت غضبناک گردیده، امر فرمود که جمیع حکیمان بابل را هلاک کنند.

۱۳ پس فرمان صادر شد و به صد کشتن حکیمان برآمدند؛ و دانیال و رفیقانش را می‌طلبیدند تا ایشان را به قتل رسانند.

دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

مقدمه: فصل دوم کتاب دانیال نبی در مورد ظهور و سقوط امپراطوری های بزرگ جهان به ما تعلیم می دهد. یک فصل دقیق نبوتی است یعنی آینده را از زمان دانیال به دقت پیشگویی می کند با

کاربردهای فراوان برای ما در زمان حال. قبل از اینکه وارد متن فصل دوم بشویم، می‌خواستیم باز بر روی اهمیت شخصیت دانیال تاکید کنم. شخصیت دانیال را می‌شود بدین صورت خلاصه کرد که بر روی کلام خدا می‌ایستاد علی‌رغم هر خطری که می‌تواند در پی داشته باشد و ذره‌ای سازش نمی‌کرد. و بهمین علت تأثیری عمیقی بر روی هم جامعه‌ی زمان خودش داشت و هم بر روی نسلهای آینده.

بطور مثال وقتی که در عهد عتیق جلوتر می‌رویم و به کتاب عزرا می‌رسیم که بالاخره یهودیان آزاد می‌شوند تا به سرزمین خود برگردند، نقش دانیال در آن بی‌تأثیر نبود. جلوتر برویم. وقتی که در انجیل متی ۲: ۱-۱۲ می‌خوانیم که مجوسیان از ایران می‌آیند تا مسیح مولود را پرستش کنند، چه کسی در مورد مسیح موعود به بابلیان و ایرانیان تعلیم داده بود؟ چه کسی در مورد ستاره‌ی مسیح از تورات، اعداد ۲۴: ۱۷ به مجوسیان زردشتی تعلیم داده بود تا به بیت‌الحم محل تولد او بروند؟ دانیال نبی! اعداد ۲۴: ۱۷ می‌فرماید: **ستاره‌ای از یعقوب طلوع خواهد کرد و عصایی از اسرائیل خواهد برخاست.**

دانیال در پشت پرده‌ی میلاد مسیح نقش مهم داشت. نفوذ این یک نفر ایماندار بی‌حد و مرز بود چون به تمامی دل به مسیح موعود، شاه‌شاهان و خداوند خداوندان عیسی مسیح ایمان داشت. و در حقیقت می‌شود گفت که او هم جز آن مجوسیانی بود که به بیت‌الحم رفتند تا خداوند و نجات‌دهنده‌ی عالم، عیسی مسیح را پرستش کند. در کتاب دانیال می‌توانیم تمام تاریخ بشر را تا برقراری پادشاهی عیسی مسیح بر جهان بخوانیم. و این ما را می‌رساند به فصل دوم کتاب دانیال نبی.

جورج واشنگتن اولین رئیس‌جمهور آمریکا گفته است که: "تعداد اندکی مردمان هستند که دارای چنان معیار بالای اخلاقی می‌باشند که خودشان را به هیچ قیمتی نمی‌فروشند." واشنگتن درست می‌گفت. اکثر مردم قیمتی دارند. مرد یا زن ناسازشکار کلای کمیابی است. ولی دقیقاً اینگونه افراد هستند که خدا برای انجام اراده‌اش بکار می‌برد. برای خدمات برگزیده، خدا خادم برگزیده‌اش را بکار می‌برد.

و دانیال دقیقاً چنین فردی بود. حاضر نبود بهیچ وجه سازش کند همانطور که در فصل اول دیدیم. و بدین علت خدا او را انتخاب کرد تا نقشه‌اش را برای رستگاری جهان به او مکشوف کند. در دانیال فصل دوم ما جامع‌ترین تصویر پیشگویی از تاریخ بشر را در عهد عتیق پیدا می‌کنیم.

فصل دوم کتاب دانیال ۳۰ تا آیه اول را می شود به دو قسمت تقسیم کرد. از آیه ۱ تا آخر ۱۳ نبوکدنصر خوابی می بیند که جزئیاتش را فراموش می کند. می شود اسم این قسمت را گذاشت خواب فراموش شده. و سپس در آیات ۱۴ الی ۳۰ دانیال فراموش نشدنی را می بینیم.

آیه ۱ می فرماید: **و در سال دوم سلطنت نبوکدنصر، نبوکدنصر خوابی دید و روحش مضطرب شده، خواب از وی دور شد.**

یک شب، در حالیکه بر روی تخت خوابش دراز کشیده بود، نبوکد نصر امپراتور بابل شروع می کند به فکر کردن که بعد از مرگش چه بر سر امپراتورش و جهان خواهد آمد. دگرگونی های عظیمی قبلا رخ داده بودند. امپراطوری بابل به تازگی امپراطوری آشور را ضمیمه خودش کرده بود، مصر را قاطعانه شکست داده بود که دیگر هیچوقت به عنوان یک قدرت جهانی از خاکستر شکست خودش برنخاست، و اسرائیل را نیز تصرف کرده بود. نبوکد نصر خوابی می بیند که از جانب خدا بود و روحش را مضطرب می کند. و چیزی که موضوع را برایش سخت می کند که جزئیات خواب از یادش می رود. و من معتقدم که خدا باعث شد که آن جزئیات از حافظه نبوکد نصر پاک بشود.

نبوکد نصر فرمان می دهد تا کارشناسان و حکیمان دربارش جمع شوند تا به او بگویند خوابش چه بود و تعبیر درستش چیست. آیات ۲-۳:

۲ پس پادشاه امر فرمود که مجوسیان و جادوگران و فالگیران و کلدانیان را بخوانند تا خواب پادشاه را برای او تعبیر نمایند و ایشان آمده، به حضور پادشاه ایستادند.

۳ و پادشاه به ایشان گفت: «خوابی دیده‌ام و روحم برای فهمیدن خواب مضطرب است.»

نبوکد نصر به دانشمندان دربارش، یعنی به انسان ها، متوسل می شود تا معنی خوابش را بفهمد. از این افراد کمک می خواهد: ۱- مجوسیان که از ریشه کلمه مغ گرفته شده است. اینان طبقه مغان یا دانشمندان دربار می بودند. ۲- جادوگران: اینان در واقع مخلوطی از ستاره شناسان و طالع بینان می بودند که بر حسب جدول و مکان و حرکت ستارگان ادعا می کردند که می توانند آینده را پیش بینی کنند. ۳- فالگیران که کسانی بودند که ادعا می کردند با ارواح مرده می توانند صحبت کنند که در واقع روحهای شیطانی می بودند. ۴- کلدانیان که ریشه شان بر می گردد به قسمت جنوبی امپراطوری بابل، و در علوم و فنون از همه داناتر می بودند. پادشاه از متخصصین دربارش کمک می خواهد.

۳ و پادشاه به ایشان گفت: «خوابی دیده‌ام و روحم برای فهمیدن خواب مضطرب است.»

ولی مشکل پادشاه این بود که جزئیات خواب را از یاد برده بود. و این مشکل پادشاه می شود مشکل متخصصینش.

۴ کلدانیان به زبان آرامی به پادشاه عرض کردند که «پادشاه تا به ابد زنده بماند! خواب را برای بندگانت بیان کن و تعبیر آن را خواهیم گفت.»

حالا از این آیه تا آخر ۷: ۲۸ به زبان آرامی نوشته شده است چون زبان بین المللی آن زمان بود و پیغام این بخش از کتاب دانیال در مورد آینده جهان است به همین دلیل به زبان آرامی نوشته شده است تا همه آنرا بدانند.

زبان آرامی از خانواده زبانه‌های سامی است. این زبان در حدود قرن هشتم قبل از میلاد در منطقه بین النهرین بجای زبان "اکدی" یا "آکادی" متداول گردید.

زبان آکادی به خط میخی نوشته می شد ولی زبان آرامی که عیسی مسیح به آن تکلم می نمود، الفبائی بود.

زبان آرامی به دو نوع است:

۱- آرامی فلسطینی که به الفبای عبری نوشته می شد، و این همان زبانی است که عیسی مسیح به آن صحبت می نمود.

۲- آرامی بابلی، که به آرامی شرقی معروف می باشد.

زبان آرامی در قرن هشتم پیش از میلاد، توسط تجار آن زمان، وارد بین النهرین شد و زبان بین المللی آن زمان گردید.

آرامی ها خود مردمانی بودند از نژاد سامی، که بصورت صحرا نشین از قرن هشتم قبل از میلاد در ایالات مختلف کشور سوریه زندگی می کردند و تا ظهور اسکند مقدونی به عنوان یک ملت وجود داشتند و به زبان آرامی صحبت می کردند.

آرامی ها دارای امپراطوری مقتدری نبودند ولی بخاطر تجارت موفقی که داشتند زبان خود را در منطقه خاور میانه آن زمان توسعه دادند.

در سال ۵۸۶ پیش از میلاد، نبوکد نصر پادشاه بابل، یهودیان را به اسارت خود در آورد، و آنان را بمدت ۷۰ سال در اسارت نگه داشت. بعلت طولانی بودن مدت اسارت، یهودیان زبان مادری خود عبری را کم کم فراموش کرده، و به زبان متداول آن زمان، یعنی آرامی تکلم می کردند.

در سال ۵۳۸ پیش از میلاد، کوروش کبیر پادشاه ایران، یهودیان را آزاد نمود و به اورشلیم باز فرستاد. یهودیان از آن به بعد به زبان آرامی تکلم و آنرا با الفبای عبری می نوشتند.

از کتاب "آرامی زبانی که عیسی مسیح به آن تکلم کرد." نوشته دکتر داود پیرا.

این دانشمندان و متخصصین با اعتماد کامل بخودشان به پادشاه می گویند: «پادشاه تا به ابد زنده

بماند! خواب را برای بندگانت بیان کن و تعبیر آن را خواهیم گفت.»

حالا، اینجا مشکلی وجود داشت. غیر از اینکه خود نبوکد نصر جزئیات خوابش را فراموش کرده بود، در ضمن نبوکد نصر به حرفها و تعبیر های متخصصینش هم اعتماد کامل نداشت. چون آنها بلد بودند هر خوابی را به یک صورت کلی تعبیر کنند که به هر شرایطی بخورد و کسی نتواند مچشان را بگیرد که تعبیر شما اشتباه بوده است. و این قبلا برای نبوکد نصر پیش آمده بود. پس برای مطمئن شدن از صحت تعبیر کارشناسانش چالشی سخت در مقابلشان می گذارد.

۵ پادشاه در جواب کلدانیان فرمود: «فرمان از من صادر شد که اگر خواب و تعبیر آن را برای من

بیان نکنید پاره پاره خواهید شد و خانه های شما را مزبله خواهند ساخت.

نبوکد نصر می گوید: هم باید خواب را به من بگوئید و هم تعبیرش را. و گرنه می فهمم که می خواهید به من دروغ بگوئید و همه تان را می کشم.

خدا کاری کرده بود که خود نبوکد نصر جزئیات خوابش را فراموش کند تا نتواند هیچگونه کمکی به کارشناسان دربارش بدهد و بدین ترتیب ناتوانی و فریبکاری حکمت و دانش بابلیان را به پادشاه آشکار سازد. و در ضمن در وسط این ناتوانی حکمت انسانها، توانایی حکمت الهی که خدا به دانیال می دهد نمایان می شود.

رومیان ۱۱: ۳۳

۳۳ چه عظیم است عمق دولتمندی و حکمت و علم خدا! چقدر دور از اندازه گیری است احکام

او و فوق از کاوش است طریق های وی!

